خارج اصول

جلسه42 \* سه شنبه 19/ 9/ 98

موضوع: اقسام واجب

کلام در اصول عملیّه نسبت به واجب نفسی و غیری بود. آخوند بحث را دو قسم کرد ولی دیگران موارد دیگری را اضافه کردند. سه مورد از شهید صدر ذکر شد. در مورد سوم فرمایش محقّق نائینی مطرح شد.

مورد مذکور ثمره ی انحلال حکمی علم اجمالی بود. به همین مناسبت، یک مورد از موراد انحلال حکمی را توضیح می دهیم:

هرگاه مکلّف علم اجمالی داشته باشد به وجوب یکی از دو ضدّی که حالت ثالث دارند؛ یا به وجوب یکی و حرمت دیگری؛ و نتیجه ی آن این باشد که مثلا اگر بداند نماز را باید رو به قبله بخواند و اگر پشت به قبله کند حرام است، در اینصورت علم به وجوب استقبال و حرمت استدبار مطرح می شود و در درون این علم هم وجوب موجود است هم حرمت؛

در اینصورت نسبت به حرمت استدبار نمی تواند برائت جاری کند زیرا مستلزم مخالفت قطعیّه ی عملیّه می شود؛ لذا نسبت به حرمت استدبار علم اجمالی منحلّ نمی شود نه حقیقی و نه حکمی.

اما نسبت به وجوب استقبال، اصالة البرائة بدون معارض جاری می شود زیرا مکلّف می تواند حالت سوّمی را انتخاب کند که نه استقبال بر آن صادق باشد و نه استدبار.

بنابراین هرگاه به یکی از دو تکلیف(وجوب و حرمت) علم اجمالی حاصل شود که مخالفت یکی از آن دو، مستلزم مخالفت با حکم دیگر باشد، اصالة البرائة جاری نمی شود امّا اگر مخالفت یکی مستلزم مخالفت دیگری نباشد و مخالفت قطعیّه حاصل نشود، نسبت به آن حکم، اصالة البرائة جاری می شود یعنی در مانحن فیه (وجوب استقبال و حرمت استدبار) نسبت به وجوب استقبال، برائت جاری می شود ولی نسبت به حرمت استدبار جاری نمی شود زیرا با رفع حرمت استدبار توسّط برائت، پشت به قبله نماز می خواند که لازمه اش مخالفت با وجوب استقبال است ولی اگر وجوب را رفع کنیم لازمه اش مخالفت با حرمت استدبار نیست چون ممکن است به راست یا چپ نماز بخواند این مورد از مواردی است که علم اجمالی به حرمت و وجوب، نسبت به برخی از اطراف منجّز نیست زیرا توسّط اصالة البرائة، علم اجمالی منحلّ می شود و این انحلال حکمی است.

و کیف کان از آنچه گفتیم مشخّص شد که فرمایش محقّق نائینی، محقّق خوئی و شهید صدر، مطلبی غیر از فرمایش مرحوم آخوند در کفایه نمی باشد بلکه فروعی است که در ذیل همان دو قسم ایشان داخل است. صاحب کفایه فرمود: اگر چیزی که شرط واجب قرار می گیرد، حکمش فعلی باشد، اصالة البرائة جاری نمی شود و اگر فعلی نباشد، جاری می شود؛ لذا در دوران امر بین واجب نفسی و غیری در صورتی که بدانیم وجوب وضو قبل از زمان واجب-که مردّد است بین واجب نفسی و غیری -حالت فعلیّت دارد، ناچاریم نسبت به وجوب وضو قائل به احتیاط شویم-چه وجوبش نفسی باشد یا غیری-و در مواردی که چنین نیست، قائل به برائت می شویم.

ثمره ی بحث واجب نفسی و غیری

1.اگر واجب، نفسی باشد مستلزم آن است که قائل به استحقاق عقوبت و مذمّت شویم و بگوییم اگر مکلّف واجب را ترک کند، عقلاً متمرّد و عاصی و طاغی علیه مولاست بخلاف واجب غیری.

2.اگر واجب، نفسی باشد، مکلّف مستحقّ ثواب بر آن است بخلاف واجب غیری.

3.اگر واجب، غیری باشد، قائل می شویم به اضافه شدن ثواب در واجبی که دارای مقدّماتی است که متّصف می شوند به واجب غیری و از باب «افضل الاعمال اهمزها او اشقّها» دارای اضافه ی ثواب می شود.

بنابراین ترتّب ثواب یا عقاب بر واجب نفسی و غیری مهمترین ثمره ی بحث مانحن فیه است و لازم است در مقام تعیین علّت ترتّب ثواب و عقاب یا عدم ترتّب آن، در دو مقام بحث شود:

مقام اوّل: ترتّب ثواب بر اتیان واجب نفسی؛ زیرا مکلّف با اتیان آن، یا مستحقّ ثواب است یا از باب تفضّل به ثواب می رسد.

مقام دوم: ترتّب ثواب بر واجب غیری.

اما مقام اوّل

آیا فاعل یا تارک واجب نفسی، استحقاق ثواب یا عقاب دارد؟

برای جواب به این سؤال باید کلمات بزرگان را بررسی کنیم:

شیخ مفید: مکلّف در واجب نفسی مستحقّ ثواب نیست بلکه ثواب، تفضّلاً است زیرا ارتباط بین خدا و عباد ارتباط تجاری نیست و از باب اجاره و اجرت نمی باشد بلکه این ارتباط از باب عبودیت انسان در مقابل خداست و عبد استحقاقی در مقابل مولا ندارد و خدا تفضّلاً به او ثواب می دهد.[[1]](#footnote-1)

مشهور: مکلّف در واجب نفسی، استحقاق ثواب دارد.

تحقیق در مطلب

قائلین به استحقاق در واجب نفسی، اگر منظورشان تجارت بین خدا و خلق است، این قابل اثبات نیست و حقّ با شیخ است. ولی اگر منظورشان این است که مکلّف با اتیان واجب نفسی در مسیر بندگی خدا اهلیّت پیدا می کند و مستحقّ تفضّل خدا می شود و بعبارة أخری اهلیّت تفضّلی پیدا می کند-زیرا عبدی که زندگی اش را در برابر مولا هزینه می کند تا عبودیت خود را به نمایش بگذارد نه طلبکاری را، مورد تفضل خدا قرار می گیرد-این صحیح است.

لذا نزاع بین شیخ و مشهور نزاع لفظی است و می توان بین این دو نظریه تصالح برقرار کرد.

(پایان)

محاضرات ج2 ص403

1. . کشف المراد/433 [↑](#footnote-ref-1)